



سال قبل از این اتفاق چاه تخلیه شده است. این طمع برای درآوردن جواهر گرانقیمت با وجود اینکه نزدیک حدود نیم قرن از آن اتفاق گذشته و تنها تکیه بر یک کتاب خاطرات و اسناد محدود جوابگوی دنبال کردن آن نیست و از طرفی اینکه چطور صاحب طماع این کارگاه (با بازی متفاوت سعید آقاخانی) که از طلای آب شده هم نمی‌گذرد، چگونه گذاشته در این مدت جواهر در آنجا بماند، از جمله دلایلی است که به شدت باورپذیری کاراکتر اصلی را در یکی از بزنگاه‌های اصلی فیلم دچار خدشه می‌کند.

مثال دیگر برای اثبات خامی و ضعف شخصیت رضا آنجاست که به یکباره قصد خرید سکه را دارد و تمامی فروشندگان بازار طلا تنها به اتکای ده سال و اندکی تجربه کارگری رضا و لویی حاضر می‌شوند نزدیک ۱۰۰ سکه را با چک و به‌طور اقساط و نسیه به این ۲ نفر بدهند. این موقعیت‌ها و اتفاقات ناگهانی اینچنینی آنچنان به پیکره داستان و شخصیت‌پردازی کاراکترها صدمه می‌زند که انگار بلاهت و حماقت آن‌ها باید به تماشاگر هم تسری یابد و مخاطب فیلم نیز باید هر آنچه فیلمساز به او نشان می‌دهد بدون منطقی و علیتی عقلانی قبول کند.

«حمال طلا» از این دست حفره‌های فیلمنامه‌ای کم‌نماد که تنها به جلو بردن روند داستان به هر نحوی می‌اندیشد و از این رو به شدت به باورپذیری فیلم لطمه زده است.

با همه این ایرادات ریز و درشت «حمال طلا» لحظات ناب و تاثیرگذار کم ندارد که در سینمای ایران نادر است و آنچنان تماشاگر را تسخیر می‌کند که تا مدت‌ها بر جان و ذهن او باقی می‌ماند. ایده پول درآوردن از فاضلاب به عنوان پست‌ترین و نامطلوب‌ترین محصول انسان به خودی خود فوق‌العاده است و اوج استیصال و بیچارگی انسان معاصر را در دنیای بی‌رحم، فاسد و شکننده امروز تداعی می‌کند. تلاش رضا و لویی و نمای رقصیدن و پخش موزیک هنگام حمل این فضولات برای تامین نان و گذران زندگی و رفع مشکلات



«حمال طلا» از این دست حفره‌های فیلمنامه‌ای کم‌نماد که تنها به جلو بردن روند داستان به هر نحوی می‌اندیشد و از این رو به شدت به باورپذیری فیلم لطمه زده است

بازیگردانی و نقش‌آفرینی وی در این نقش است که به جهت سادگی و بلاهت ذاتی و از سوی دیگر خلوص و وفاداری آن می‌توانست به محلی برای درنیامدن فیلم تبدیل شود که با هنرنمایی لطف‌الله سیفی به نقطه قوت «حمال طلا» تبدیل شده است.

«حمال طلا» شروع خوبی برای تورج اصلانی به عنوان فیلمبردار خلاق و فیلمساز باهوش و صاحب فکر و ایده به شمار می‌آید که این امید را در میان سینمادوستان زنده می‌کند که فیلمساز خوش‌قریحه و پر تلاشی به جرگه فیلمسازان نسل نئی سینمای ایران اضافه شده که درک درستی از داستان و شخصیت دارد، به پرداخت سینمایی و زیباشناسی هنری ارجح می‌دهد و سینما را به جهت شهرت و شهوت فیلمسازی و روی بورس بودن انتخاب نکرده و از جنس سینما و مهم‌تر از آن از جنس مردم است.

مالی اوج این خلاقیت و از سوی طنز سیاه است که هر انسانی با هر تفکر و نگرش و هر طبقه و جایگاهی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به تفکری عمیق و دردناک فرومی‌برد.

حضور کوتاه بازیگران شناخته‌شده‌ای چون سعید آقاخانی و امید روحانی در نقش‌های جدید و متفاوت و گذاشتن بار اصلی فیلم بر دوش ۲ بازیگر کم‌شناخته شده آن هم با شمایل کاملاً معمولی و نه چندان جذاب، یکی دیگر از هنرهای فیلمسازی و کارگردانی تورج اصلانی بوده که چشم پوشی از آن کار بسیار سختی است. لطف‌الله سیفی در نقش «لویی» که پیشتر سابقه بازیگری و دستکاری کارگردان را نیز داشته، چنان قدرتمند و باورپذیر نقش لویی را ایفا کرده که به سختی می‌توان «حمال طلا» را بدون لویی تصور کرد و به واقع از مهم‌ترین برگ برنده‌های فیلم انتخاب سیفی و

